صادرات 1376 معادله ای نابرابر

عسگراولادی، اسدالله

آمار صادرات غیر نفتی سه ماهه اول سال جاری‏ در دسترس قرار داشته و ماه چهارم هم کم و بیش روشن‏ است.طی چهار ماه اول سال جاری میزان صادرات‏ غیر نفتی حدود یک میلیارد دلار و کمی بیشتر از مدت سال‏ قبل میباشد.

تغییر عمده افزایش صادرات صنعتی در اقلام عمده‏ نظیر آهن‏آلات-بنزن-پارچه-چینی-محصولات‏ شیمیائی،سنگ‏ها بوده و در مقابل صادرات سنتی با کاهش‏ روبرو بوده است.که این خبر خوشحال‏کننده و نویدبخش‏ آینده است.

طی چهار ماه اخیر وزارتخانه‏های صنایع و بازرگانی‏ مرکز توسعه صادرات اتاق‏های بازرگانی و صنایع و معادن‏ سراسر کشور،اتحادیه‏ها و سندیکاهای صادراتی با فعالیت‏ وسیع و کوشش همه‏جانبه سعی در رفع تنگناها و تشویق‏ و ترغیب صادرکنندگان داشته و در سایه همین کوشش‏ها آمارها میزان صادرات نسبت به سال گذشته را حفظ نموده‏ و سیر نزولی متوقف و کمی هم سیر صعودی داشته‏ایم. تغییرات عمده در مقررات افزایش اجازه واردات از 30 به 50 درصد و اجازه انتقال اجازه ورود صادرات فرش و بالاخره‏ مراجعه به بورس برای نقل و انتقال اجازه واردات میباشد.

تدابیر فوق که بعضی از آنها در شروع آزمایش بعقیده‏ کارشناسان امر صادرات راه‏گشا نبوده و صادرات همچنین‏ بصورت معادله‏ای نابرابر و یا ناموزون خودنمائی میکند.

اینکه ما تشویق صادرات را ترغیب و اجازه واردات‏ در نظر بگیریم و با افزایش قیمت کالای وارداتی مصرف‏ کننده را زیر فشار افزایش قیمت‏ها قرار دهیم و یا با تشریفات‏ بورس و بروکراسی پیچیده گردش سرمایه در امر صادرات‏ را محدود و بعضا متوقف کنیم جواب لازم را نخواهیم گرفت.

برای روشن شدن این معادله تکرار گفته‏های سال قبل‏ ضروری است.امر صادرات در یک طرف تهیه کالا و هزینه‏های بسته‏بندی آماده‏سازی و حمل بمقصد است‏ و طرف دیگر فروش کالا تبدیل کالا به ارز و سپس فروش‏ آن ارز به سیستم بانکی کشور است.این معادله دو طرفه که‏ هر طرف دارای دو واقعیت مشخص است هم‏آهنگ نبوده‏ و یکی از مشکلات اصلی همین است.

قیمت کالا در ایران تابع نرخ تورم بانک مرکزی است که‏ همه ساله بین 20 تا 40 درصد افزایش دارد.هزینه تمام‏ شده و آماده‏سازی کالا و رساندن تا مرزهای خروجی‏ کشور هم و خدمات مربوطه هم تابع نرخ تورم داخل‏ کشور است که همه ساله بین 20 الی 40 درصد افزایش‏ دارد.

یعنی قیمت تمام شده کالا در مبادی خروجی کشور همه‏ ساله افزایشی برابر متوسط نرخ تورم کشور داشته و طرف‏ دیگر یعنی فروش و وصول تا اندازه ثابت است.فروش‏ کالا در خارج تابع تورم نیست و بعلت رقابت شدید کشورهای رقیب حد اکثر تابع یک افزایش چند درصدی‏ بیشتر نیست و برطبق اعلام بانک مرکزی نرخ ارز هم طی‏ سه سال اخیر ثابت و 3000 رایل هر دلار اعلام شده‏ و افزایش ندارد و ظاهرا تا آخر سال 76 هم ثابت خواهد بود. پس ملاحظه میشود نرخ تمام شده کالا مرتبا سیر صعودی‏ و نرخ فروش و وصول ثابت و با این معادله ناموزون توقع‏ افزایش حجم صادرات منطقی نبوده و ساختار فعلی یقینا بایست مورد بازنگری قرار گیرد.

حواله نمودن امر فروش واریزنامه به بورس در حالیکه‏ صادرکننده تکلیف خود را نمیداند و نرخ و مبلغ دریافتی‏ و زمان دریافت هم دقیقا روشن نیست و اگر بورس موفق به‏ فروش نشود اصل برگ بهادار واریزنامه باطل اعلام شده‏ هیچ کمکی به برنامه‏ریزی صادرات نبوده و مسیر را بیشتر دچار ابهام مینماید.البته در صورت برنامه‏ریزی صحیح‏ ارجاع خرید و فروش واریزنامه در بورس مثبت است.

بارها عرض شده ساختار فعلی پیمان‏سپاری و فروش ارز و ترغیب صادرکنندگان به امر واردات بعنوان تشویق‏ صادرات در هیچ کشوری در دنیا سابقه توام با توفیق نداشته‏ و بایست مورد بازنگری کامل قرار گیرد و با دقت‏های‏ کارشناسانه دور از تنگ‏نظریها و با استفاده از تجربیات دیگر کشورها که وضع اقتصادی نظیر ما را داشته و دارند مسیر واقعی یک صادرات سالم را جستجو کرده و با کمک‏ همه دست‏اندرکاران خاصه مسئولین امر صادرات در کشور بسوی اهداف تعیین‏شده در برنامه توسعه حرکت نمائیم.